

# خلود نفس از منظر فیض کاشانی

فاطمه سلطانیپور

## چکیده

پاره‌ای از مکاتب و فلاسفه بر این باورند که انسان پس از سپری کردن حیات دنیوی نابود می‌شود و در صورت بقا، در قالب بدن جدیدی در همین دنیا به حیات خویش ادامه می‌دهد. فیلسوفان حکمت متعالیه با استناد به آیات قرآن و شواهد شهودی و عقلی، نفس انسان را باقی، آن هم در سرای ابدیت قیامت دانسته که بر اساس اعمال خویش معذب یا متنعم می‌شود. از مکتوبات مرحوم مولا محمد محسن فیض کاشانی چنین استنباط می‌شود که ایشان حرکت جوهری نفس را پذیرفته و معتقد است نفس پس از سپری کردن درجات حیات نباتی و حیوانی به مرتبه‌ی انسانی نائل می‌شود؛ در این مرتبه نفس از ماده مجرد بوده و در دنیا ارتباط تدبیری با بدن دارد و نسبت آن به بدن همچون شاخص و سایه است. در اثر این ارتباط، نفس استکمال می‌یابد و بدن رو به اضمحلال می‌گذارد. تا جایی که نفس با موت بدن نابود نشده و به نشئه‌ی دوم یا سوم رفته و به حیات خویش ادامه می‌دهد. از جمله دلایل مرحوم فیض بر خلود نفس، حب بقا و بطلان فنای علل اربعه است. ایشان ثبات روح را عامل برقراری این همانی شخصی بین انسان دنیایی و آخرتی می‌دانند. وی خلود بهشتیان در بهشت را خلود تک تک ایشان می‌داند در حالی که خلود اهل آتش در جهنم را به گونه‌ای دیگر می‌داند که از آن به خلود نوعی تعبیر می‌شود. مرحوم فیض خلود در جهنم را مساوی خلود در عذاب نمی‌داند و با الهام از ابن عربی و شارحانش بر این باور است آتش عذاب الهی بعد از مدت مدیدی به سردی می‌گراید و دوزخیان به عذاب‌های جهنم، معذب نخواهند شد. وی دلیل این امر را وسعت و اسعه‌ی الهی، دائمی نبودن قسر و... می‌داند.

کلیدواژه‌ها : نفس، بدن، خلود، موت

## مقدمه

اهمیت شناخت نفس بر هیچ اندیشمندی پوشیده نیست، اما به دلیل این که دین مقدس اسلام تاکید ویژه‌ای بر شناخت انسان دارد تا جایی که شناخت نفس، هم‌ردیف شناخت پروردگار به شمار می‌آید؛ اندیشمندان مسلمان هم به این حوزه از شناخت، نگاه ویژه‌ای داشته‌اند. فیلسوفان مسلمان بحث‌های عقلی، برهانی و گاه تحلیل‌های وجدانی خود را در شاخه‌ای از علوم فلسفی زیر عنوان علم النفس فلسفی گرد آورده‌اند. کوتاه سخن آن که بحث‌های نقلی و عقلی و ذوقی اندیشمندان مسلمان در باره نفس بسیار زیاد و گوناگون است؛ اما این مقاله در پی بررسی مساله جاودانگی نفس، آن هم تنها از دیدگاه مرحوم فیض کاشانی است.

محمد محسن فیض کاشانی از محدثان عالی مقام، فقیهان نامدار و حکمای متاله قرن یازده هجری قمری است. در یک نگاه کوتاه به زندگی ایشان می‌توان دوران حیات وی را به صورت کلی چنین بیان کرد: فیض کاشانی در سالهای آغازین حیات علمی خویش به دنبال تالیف آثار فقهی بوده سپس به عرفان گرایش می‌یابد و در نهایت به تدریج به حدیث و اخباری‌گری گرایش می‌یابد. (فیض کاشانی، 1377، 8-)